

تحول خردمندی از دوره نوجوانی تا سالمندی □

The Development of Wisdom from Adolescence to Elderly □

Samaneh Asadi, Ph.D. ✉

Sholeh Amiri, Ph.D.

Hosein Molavi, Ph.D.

دکتر سمانه اسعدی *

دکتر شعله امیری **

دکتر حسین مولوی **

Abstract

This study was done for the purpose of investigating the development of wisdom from adolescence to elderly in Isfahan. Sample size was consisted of 345 participants in four age groups 15 to 18 year-olds ($n=108$), 19 to 29 year-olds ($n=104$), 30 to 45 year-olds ($n=44$) and over 46 year-olds ($n=51$). All groups selected based on cluster sampling, for the first group, clusters were high school classes and for the others streets based on municipal areas. In order to achieve the desired goal, causal – comparative statistical design were applied. Data were gathered using Three-Dimensional Wisdom Scale (3D-WS) by Ardel (2003). Before using the measure structural equation modeling was done to verify the validity and reliability. Data were analyzed in SPSS19 based on analysis of variance. Results revealed that there were not significant group effects on 3D-WS's dimensions. pairwise comparisons showed significant difference between 15 to 18 year-olds, 19 to 29 years and 30 to 45 years in affective dimension ($p = 0/02$, $p = 0/005$, $p = 0/002$ respectively). Also over 46 year-olds showed difference with 30 to 45 year-olds in total score of 3d-ws ($p = 0/02$).

چکیده

هدف این پژوهش، تعیین تحول خردمندی از دوره نوجوانی تا سالمندی در شهر اصفهان بود. حجم نمونه از ۳۴۵ شرکت کننده در ۴ گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال (۱۰۸ نفر)، ۱۹ تا ۲۹ سال (۱۰۴ نفر)، ۳۰ تا ۴۵ سال (۴۴ نفر) و ۴۶ سال به بالا (۵۱ نفر) تشکیل شده بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، در گروه ۱۵ تا ۱۸ سال از مدارس و در گروه‌های دیگر با توجه به تقسیم‌بندی‌های نواحی شهرداری شهر اصفهان، به صورت تصادفی انتخاب شدند. طرح پژوهش علی-مقایسه‌ای و ابزار مورد استفاده مقیاس سه بعدی خردمندی آردلت (۲۰۰۳) بود. پیش از انجام پژوهش مقیاس مورد بررسی و تحلیل معادلات ساختاری قرار گرفت و روایی و اعتبار آن تأیید شد. یافته‌های پژوهش با استفاده از تحلیل واریانس به منظور بررسی تحول سازه یاد شده نشان داد به طور کلی گروه‌های سنی اثر معناداری بر نمره کل و نیز نمرات سه بعد شناختی، تأملی، عاطفی و مقیاس سه بعدی خردمندی ندارند. نتایج مقایسه‌های زوجی در نمره کل و نمرات سه بعد مقیاس سه بعدی خردمندی بین گروه‌های سنی در بعد عاطفی بین گروه ۴۶ سال به بالا با سه گروه دیگر یعنی ۱۵ تا ۱۸ سال، ۱۹ تا ۲۹ سال و ۳۰ تا ۴۵ سال تفاوت معنی داری نشان داد (به ترتیب $p=0/002$ ، $p=0/005$ ، $p=0/002$). همچنین در نمره کل نیز گروه ۴۶ سال به بالا با گروه سنی ۳۰ تا ۴۵ سال تفاوت بود ($p=0/02$).

Keywords: wisdom, development, adolescence, elderly

کلید واژه ها: خردمندی، تحول، نوجوانی، سالمندی

□ Faculty of Educational Sciences and Psychology,
University of Isfahan, Isfahan I.R.Iran
✉Email:s.asadi@yazd.ac.ir

□ وصول مقاله: ۹۲/۴/۳۰ تصویب نهایی: ۹۳/۱/۳۱
* گروه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه یزد
** گروه روانشناسی دانشگاه اصفهان

● مقدمه

اگر چه بحث درباره ماهیت خرد دارای سابقه گسترده‌ای در میان فیلسوفان، متکلمان، شاعران و نویسندگان است اما ورود آن به دنیای روانشناسی نسبتاً اخیر است. در سه دهه اخیر توجه به موضوع خردمندی به ویژه از سوی روانشناسان پیری‌شناسی و روانشناسان گستره عمر که به سازگاری بزرگسالان در سال‌های پایانی زندگی علاقمندند بیشتر شده است. در نوشته‌های اولیه روانشناختی، خردمندی به عنوان نقطه پایانی آرمانی تحول توصیف شده است. استنلی هال (۱۹۲۲) شکل‌گیری خردمندی در یک بزرگسال را با نگرش، آرامش فلسفی، بی‌طرفی، و تمایل فرد به اصول اخلاقی مرتبط دانسته است. /ریکسون (۱۹۵۹) به خردمندی به عنوان عنصر اساسی اواخر زندگی در مراحل تحول اشاره دارد و معتقد است فرد در مرحله هشتم تحول روانی - اجتماعی با یکپارچگی در برابر ناامیدی دست و پنجه نرم می‌کند و ویژگی که کسب می‌کند خردمندی است. پیشینه پژوهشی درباره خرد به مفهوم کهن الگوهای یونگ - کهن الگوی پیر خردمند و سوفیا - نیز باز می‌گردد. یونگ توضیح داده است که منبع خردمندی در کشف وجود درونی خود و ترکیب تمایلات متضاد نهفته است (پرویت، ۲۰۰۰).

در طیف وسیعی از تعاریف جدید، از خردمندی به عنوان یک «نظام دانش تخصصی» (بالتز و اسمیت، ۱۹۹۰)، «نوعی از عملکرد پیشرفته شناختی» (دیتمان - کولی و بالتز، ۱۹۹۰)، «هنرمسئله‌یابی» (آرلین، ۱۹۹۰)، «آگاهی از نادانی خود» (میکام، ۱۹۹۰) و «مدلی دو بعدی با جنبه‌های درون فردی، بین فردی، و فرافردی در یک بعد و حوزه‌های شخصیت، شناخت، و تلاش در بعدی دیگر» (آخن باوم و اورول، ۱۹۹۳)، ترکیبی از ویژگی‌های شخصیتی در سه بعد گسترده شناختی، تأملی و عاطفی (آردلت، ۲۰۰۳)، و استفاده از «دانش نهان» در مسائل زندگی با هدف رسیدن به «خیر(نفع) همگانی» (استرنبرگ، ۲۰۰۰) یاد شده است. به عبارت دیگر، خردمندی مفهومی چند وجهی است که بسیاری از معانی آن با توجه به جهت‌گیری کلی پژوهشگران متفاوت است؛ در این پژوهش با توجه به استفاده از ابزار سنجش خردمندی آردلت (۲۰۰۳) مشخصاً به تعریف او از خردمندی پرداخته شده است.

آردلت (۱۹۹۷؛ ۲۰۰۳؛ ۲۰۰۴) به تعریف خردمندی به عنوان ترکیبی از ویژگی‌های شخصیتی با سه بعد گسترده «شناختی»، «تأملی»^۲ و «عاطفی»^۳ پرداخته است، که از نظر او

وجود هر سه بعد برای خردمندی فرد الزامی است. بعد «شناختی» خردمندی نشان دهنده میل به دانستن حقیقت و رسیدن به درک عمیق تری از زندگی از جمله پذیرش وجوه متناقض ماهیت انسان، محدودیت‌های دانش، و غیر قابل پیش بینی بودن زندگی است؛ بنابراین شامل ویژگی‌هایی مانند «با تجربه»، «با هوش و کاربردگرا» است. «بعد تأملی» نشان دهنده خودآزمایی، خود آگاهی، و توانایی مشاهده پدیده‌ها از زوایای مختلف است. فرد باید از طریق عمل خود-تأملی بر فاعلیت و تجلیات خود غلبه کند؛ بنابراین نوعی فراشناخت است که شامل ویژگی‌های درون نگرانه و شهودی است. «بعد عاطفی» به عنوان «عشق همدلانه و دلسوزانه برای دیگران» تعریف شده است که با هیجانات مثبت رفتارهای همدلانه و مهربان و درک دیگران همراه است. از نظر آردلت (۲۰۰۳) خردمندی کیفیتی از شخصیت است که در افراد خردمند وجود دارد و در واقع بر روی یک نوع آرمانی از شخص خردمند تأکید دارد و نه یک نوع آرمانی از دانش مرتبط با خردمندی. او معتقد است تا زمانی که افراد دوباره دانش مرتبط با خردمندی را از طریق تأمل بر تجربیات شخصی به خردمندی تبدیل نکنند، این مفهوم به صورت یک دانش نظری باقی می ماند و چنین تعریفی از خردمندی معنای چندانی ندارد حتی اگر این دانش در سطوح بالایی در آثار فرهنگی باستانی وجود داشته باشد. دیدگاه سه بعدی آردلت با سنت‌های فلسفی و دینی شرقی که خردمندی را حاصل تلفیق ذهن و فضیلت در سطح شخصی می دانند سازگار است. بنابراین خردمندی حالتی آرمانی است که به ندرت ممکن است در واقعیت وجود داشته باشد (آردلت، ۲۰۰۴). او (۲۰۰۴) بر این باور است که می توان خردمندی را به طور غیر مستقیم از طریق شاخص‌های شناختی، تأملی، و عاطفی به عنوان عناصر ضروری متغیر نهفته خردمندی بررسی کرد. آردلت (۲۰۰۳) با پیروی از سنت‌های کلاسیک ارزیابی شخصیت یک مقیاس خود گزارشی (مقیاس سه بعدی خردمندی) ارائه کرده است که سه بعد خردمندی را می سنجد. مقیاس سه بعدی خردمندی همبستگی مثبت و معنی داری «با تسلط»، «بهزیستی ذهنی»، هدف زندگی، سلامت ذهنی و روابط منفی با علائم افسردگی، اجتناب از مرگ، احساس فشار اقتصادی دارد. نکته مهم یافته‌ها تأیید ادعای آردلت مبنی بر این که کسب نمرات بالا در هر سه بعد برای خردمندی لازم است بود.

استودینگر (۱۹۹۹) به طور اخص به دنبال یافتن رابطه بین سن و خردمندی بود. یافته‌های او بر خلاف حکایت‌ها و ضرب‌المثل‌های معروف بود که خردمندی را با سن و سال مرتبط می‌دانستند. او در یک فرا تحلیل از ۴ پژوهش که با آزمودنی‌های بین سنین ۲۰ تا ۷۵ سال و یا حتی ۸۰ ساله‌ها انجام شده بود به این نتیجه رسید که هیچ رابطه‌ای بین خردمندی و سن وجود ندارد. البته او معتقد بود تجارب زندگی و دانشی که فرد نیاز دارد تا به خردمندی برسد همراه با گذر سن میسر می‌شود، اما اغلب، کاهش عملکردهای ذهنی و تغییرات شخصیتی باعث می‌شود که این کاهش‌ها با کاهش خردمندی یکی دانسته شود. لابیویه - ویف (۱۹۹۰) معتقد است خردمندی در بزرگسالی میانه (تقریباً دهه ۴۰ یا ۵۰) به اوج خود می‌رسد. ولی با این وجود سن را معیار معناداری در رابطه با فرایندهای مرتبط با خردمندی در بزرگسالی نمی‌داند. در یافته‌های او نمودار مرتبط با سن به صورت یک منحنی با کاهشی در بزرگسالی همراه بود. در مقابل زمانی که بر اندازه‌گیری‌های غیر مرتبط با سن (سن - مستقل) تأکید می‌شد الگوهای تحولی جالبی به دست می‌آمد. بنابر این از دید لابیویه - ویف، خردمندی با تحول در طول زندگی مرتبط است تا با سن (کولبی، ۲۰۰۳).

میکام (۱۹۹۰) معتقد است اگرچه بیشتر نظریه پردازان معتقدند خردمندی با افزایش سن بیشتر می‌شود احتمالاً جهت عکس هم می‌تواند درست باشد. یعنی خردمندی با افزایش سن کاهش می‌یابد. او معتقد است بیشترین خردمندی در کودکان مشاهده می‌شود و بعد از آن سیر نزولی به خود می‌گیرد. شواهدی که او ارائه می‌کند بیشتر حالت داستانی و حکایت دارند اما حداقل قابل توجه اند. از سویی دیگر یافته‌های پژوهش یوکیونگ (۱۹۹۵) در قالب پارادایم برلین حاکی از آن بود که روند خردمندی در بین نسل‌های مختلف (کودکان، والدین میانسال و پدربزرگ / مادربزرگ‌های سالمند) یکنواخت و همراه با یک گرایش کاهشی جزئی است. نسل اجداد سالمند در هیچ یک از مقیاس‌های خردمندی بالاترین نمره را نگرفتند. اما سن به طور مثبتی با عملکرد در مقیاس خردمندی در بین سنین رابطه داشت. در پژوهش مونتگومری (۱۹۹۵) هدف، کشف معنا و تجربه خردمندی در بزرگسالان سالمند با استفاده از روش پژوهشی پدیدارشناختی برای تحلیل مصاحبه‌ها و مشخص کردن عناصر موجود در تجارب آن‌ها بود. یافته‌ها نشان داد عنصر زمان به عنوان زمینه‌ای برای تجارب خردمندی در زندگی و تجربه به عنوان عنصر راهنما است که هر دو در سنین پیری بخشی از خردمندی‌اند.

زمان و تجربه دو عنصری از خردمندی هستند که جنبه بارز یک فرد سالمند را منعکس می‌کنند. در پژوهش پاسویاتی، استودینگر و بالتز (۲۰۰۱) بررسی نمونه پژوهشی نوجوان ۱۴ تا ۲۰ ساله و بزرگسالان ۲۱ تا ۳۷ ساله نشان داد بر خلاف بزرگسالی، نوجوانی یک مرحله اساسی تحولی در آگاهی از مشکلات دشوار زندگی است. عملکرد نوجوانان در سطحی پایین تر از بزرگسالان بود اما افزایش‌های وابسته به سنی، به طور اساسی در عملکرد آنها به چشم می‌خورد. در یک روند مشابه دیگر، تفاوت‌های مرتبط با سن در روایت‌های زندگی‌نامه شخصی خردمندی مشاهده شد (گلوک و همکاران، ۲۰۰۵). نوجوانان، افرادی که در دهه سی و نیز شصت زندگی بودند در گزارش‌های خود به نمونه‌های متفاوتی از خردمندی در زندگی‌شان اشاره داشتند، و در واقع این تفاوت‌ها منعکس‌کننده تکالیف و اولویت‌های تحولی هر گروه سنی بود. همچنین به نظر می‌رسد، مفاهیم خردمندی با بالا رفتن سن متمایزتر می‌شوند. افراد مسن جنبه‌های عاطفی را در خردمندی مهم تر دانسته، بین جنبه‌های سیال و متبلور جزء شناختی تمایز قائل بودند و در مقایسه با گروه جوان، کمتر سن را با خردمندی مرتبط می‌دانستند (کلیتون و بیرن، ۱۹۹۹). علاوه بر این‌ها در پژوهش کلیتون و بیرن (۱۹۸۰) فراوانی نسبی مفهوم شناختی خردمندی به میزان قابل توجهی در سراسر دوران بلوغ کاهش نشان داد که بیانگر این است که تجربیات این دوره از زندگی به افراد می‌آموزد که پیچیدگی‌های زندگی بزرگسالی نیازمند چیزی بیش از شناخت است.

به موازات این پژوهش‌ها، پژوهش‌هایی مانند بندیکوویچ و آردلت (۲۰۰۸) بر روی دانشجویان ۱۸ تا ۲۱ ساله از ایالات متحده آمریکا و اسلواکی، برای اندازه‌گیری ساختار نهفته خردمندی در مدل سه بعدی خردمندی نشان داد ابعاد شناختی و تأملی در نمونه آمریکایی در مقایسه با نمونه اسلواکی برجسته تر هستند. در پژوهش آنها دانشجویان دانشگاه‌های ایالات متحده، در بعد شناختی بالاترین امتیاز را به دست آوردند در حالی که در میان دانشجویان اسلواکی، بُعد تأملی و عاطفی بالاترین میانگین نمره را نشان داد. دانشجویان هر دو کشور، در هیجان‌ات مثبت نسبت به دیگران نمرات بالایی داشتند با این وجود، دانشجویان آمریکایی به طور قابل توجهی، در بعد تأملی بالاتر از دانشجویان اسلواکی بودند.

بنابراین به نظر می‌رسد حتی اگر ایده اصلی از خردمندی به عنوان یک نقطه پایانی آرمانی تحول انسان تا حد زیادی همگانی باشد، برخی از معانی خاص خردمندی ممکن

است در فرهنگ‌ها متفاوت باشد و با تاریخ تغییر کنند. این در حالی است که بسیاری از پژوهش‌های تجربی از این نظر حمایت می‌کنند که بسیاری از پایه‌های خردمندی در طول نوجوانی و بزرگسالی اولیه پایه گذاری می‌شوند (پاسوپاتی، استودینگر و بالتز، ۲۰۰۱؛ استودینگر و پاسوپاتی، ۲۰۰۳). عمده نظریه‌ها و پژوهش‌های تجربی خردمندی بر نمونه‌های غربی استوارند؛ بنابراین، این سوال ایجاد می‌شود آیا این ایده که خردمندی نقطه پایانی آرمانی تحول همگانی انسان است در همه فرهنگ‌ها و جوامع وجود دارد؟ و اگر چنین است روند تحول آن از دوره نوجوانی تا سالمندی در جامعه ایرانی چگونه است؟

● روش

این پژوهش تحولی از نوع مقطعی و روش پژوهش توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای است. در این پژوهش به لحاظ پرداختن به تأثیر سن بر متغیر مورد نظر از طرح علی-مقایسه‌ای استفاده شده است. «جامعه آماری» این پژوهش کلیه افرادی بودند که در فاصله سنی دوره نوجوانی تا سالمندی (۱۵ تا ۷۵ ساله)، در سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ در شهر اصفهان سکونت داشته‌اند. با توجه به مقطعی بودن نوع پژوهش و هدف بررسی تحولی، ۵ گروه شرکت‌کننده با توجه به متغیرهای جمعیت شناختی جنس، تحصیلات، شغل و نظایر این‌ها برای حضور در این پژوهش برنامه ریزی شد. گروه نوجوان در محدوده سنی ۱۵ تا ۱۸ ساله انتخاب شدند. گروه‌های دیگر با بازه زمانی ۱۰ تا ۱۵ سال بدون فاصله بین دو گروه و بر اساس تقسیم‌بندی دوره‌های زندگی بزرگسالی، در محدوده‌های سنی ۱۹ تا ۲۹ ساله، ۳۰ تا ۴۵ ساله، ۴۶ تا ۶۰ ساله و ۶۱ تا ۷۵ ساله انتخاب شدند. در روند اجرای پژوهش به دلیل عدم حضور و همکاری افراد ۶۰ ساله به بالا ناگزیر این گروه از جریان پژوهش حذف شد؛ و گروه میانسال با تعداد معهود گروه سنی آخر تلفیق شده تحت عنوان گروه «۴۶ ساله به بالا» به عنوان گروه سنی چهارم این پژوهش در نظر گرفته شدند.

با توجه به متفاوت بودن رده‌های سنی شرکت‌کنندگان، شیوه‌های نمونه‌گیری متفاوتی اتخاذ شد. شرکت‌کنندگان تا سن ۱۸ سال به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و بر اساس معیار سنی و مقاطع تحصیلی دانش آموزان دوم و سوم دبیرستان انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان بین سنین ۱۹ تا ۴۵ سال از محیط دانشگاه (دانشجویان کارشناسی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی و کارکنان) و بیرون از دانشگاه انتخاب شدند. در این مورد گروه نمونه

به روش تصادفی انتخاب شدند. علاوه بر این، بخشی از نمونه گروه ۱۹ تا ۴۵ سال و نیز شرکت کنندگان بالای ۴۶ سال بر اساس محل اقامت خود با توجه به تقسیم‌بندی‌های شهری شهرداری اصفهان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. حجم نمونه در هر گروه ۴۰ نفر برآورد شده بود که در مرحله اجرا به منظور جبران ریزش احتمالی، این تعداد در گروه‌ها به طور متفاوتی افزایش یافت. بدین ترتیب در نمونه نهایی در گروه ۱۵ تا ۱۸ ساله، ۱۰۸ نفر، در گروه ۱۹ تا ۲۹ ساله، ۱۴۲ نفر، در گروه ۳۰ تا ۴۵ ساله، ۴۴ نفر و در گروه ۴۶ ساله به بالا ۵۱ نفر جای گرفتند. این تعداد در مجموع ۳۴۵ نفر بودند. تعداد و میانگین سنی شرکت کنندگان در گروه‌های سنی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. تعداد و میانگین سنی شرکت کنندگان در گروه‌های سنی

گروه سنی	شاخص‌ها	تعداد	پایین‌ترین	بالا‌ترین	میانگین	انحراف معیار
۱۵ تا ۱۸ ساله	۱۰۸	۱۵	۱۸	۱۶/۶۱	۱/۰۲	
۱۹ تا ۲۹ ساله	۱۴۲	۱۹	۲۹	۲۳/۸۸	۳/۱۴	
۳۰ تا ۴۵ ساله	۴۴	۳۰	۴۵	۳۸/۷۵	۴/۱۱	
۴۶ ساله به بالا	۵۱	۴۶	۶۸	۵۴/۸۲	۵/۲۱	

● ابزار

به منظور برطرف ساختن مسائل بین فرهنگی و اطمینان از هم ارزی مفهومی معادل کلمات، عبارات و جمله‌ها، طی فرایندی چند مرحله‌ای، پس از کسب اجازه از طراح اصلی مقیاس، در مرحله اول، «مقیاس سه بعدی خردمندی»^۵ (3D-WS) توسط نویسنده اول ترجمه شد. نسخه‌های برگردان شده به زبان فارسی بدون اشاره به نسخه‌های زبان اصلی (انگلیسی) مجدداً به زبان اصلی برگردانده شد. پس از برگردان مجدد به زبان اصلی، ترجمه‌ها به منظور بررسی هم ارزی مفهومی برای طراح اصلی ارسال شد. پس از تأیید صحت درک مفاهیم از جانب طراح اصلی، ترجمه فارسی مقیاس به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفت. این مقیاس که توسط آردلت (۲۰۰۳) طراحی شده است خردمندی را در ۳ بعد «شناختی»، «تأملی» و «عاطفی» می‌سنجد. بعد شناختی این مقیاس ۱۴ ماده دارد که فقدان ویژگی‌های شناختی خردمندی را می‌سنجد. ماده‌ها ناتوانی یا عدم تمایل به فهم یک موقعیت یا یک پدیده به طور کلی («غفلت مایه خوشی/است»)، تمایل برای دیدن دنیا به صورت

سیاه یا سفید («مردم یا خوبند یا بد»)، عدم آگاهی از ابهام و تردید در زندگی («فقط یک راه درست برای انجام کارها وجود دارد») و ناتوانی در اتخاذ تصمیمات مهم علیرغم غیر قابل پیش‌بینی بودن و تردیدهای زندگی («من بعد از فکر کردن در مورد مسائل، در گرفتن تصمیمات مهم دچار تردید می‌شوم») می‌سنجند. ۱۲ ماده بعد تأملی، توانایی و تمایل نظر کردن به پدیده‌ها و رویدادها را از دیدگاه‌های مختلف («من همیشه سعی می‌کنم که به تمام وجوه یک مسئله توجه کنم») و عدم وجود ذهنیت و فرافکنی‌ها («کارها همیشه بدون این که مقصر باشم اشتباه از آب در می‌آید») ارزیابی می‌کند. ۱۳ ماده بعد عاطفی نیز وجود رفتار و هیجانات مثبت، «همدلانه»^۶ و «پرورش دهنده»^۷ («گاهی اوقات واقعاً برای همه احساس دلسوزی و شفقت دارم») و عدم وجود هیجانات و رفتارهای منفی یا بی تفاوت نسبت به دیگران (برای مثال «این مشکل من نیست که دیگران در مشکلند و نیاز به کمک دارند») را می‌سنجد.

دو مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرتی برای سنجش ماده‌ها استفاده می‌شود که هر کدام از ۱ تا ۵ (۵= بسیار موافقم تا ۱= بسیار مخالفم و ۵= بسیار درست است تا ۱= اصلاً درست نیست) دامنه دارند. تمام ماده‌ها به گونه‌ای نمره‌گذاری می‌شوند که نمرات بالاتر وجود ویژگی‌های شناختی، تأملی و عاطفی خردمندی را قبل از محاسبه میانگین نمرات هر بعد به طور جداگانه نشان می‌دهد و میانگین ۳ بعد خردمندی، نشان دهنده نمره کلی خردمندی فرد است. در پژوهش آردلت در ارزیابی روایی و اعتبار این مقیاس، آلفای کرونباخ ابعاد شناختی، تأملی و عاطفی به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۵ و ۰/۶۶ در نمونه دانشجویی و ۰/۷۸، ۰/۷۵ و ۰/۷۴ در نمونه سالمندان به دست آمده است. آلفای کرونباخ مجموع ۳ بعد خردمندی در نمونه دانشجویی ۰/۷۲ و در نمونه سالمندان ۰/۶۶ بوده است (آردلت، ۲۰۰۳). در این پژوهش با ۱۸۰ نفر سالمند (بالای ۵۰ سال) در دو بار اجرای این مقیاس به فاصله زمانی ۱۰ ماه، آلفای کرونباخ ابعاد شناختی، تأملی و عاطفی در بازه ۰/۷۱ تا ۰/۸۵ قرار داشت. هر سه بعد مقیاس به طور معنی داری با هم همبستگی داشتند که بین ۰/۳ تا ۰/۵ متغیر بود. در این پژوهش نیز بررسی اعتبار مقیاس سه بعدی خردمندی همسانی درونی رضایت بخش تا خوبی را برای مقیاس سه بعدی خردمندی به طور کلی و به تفکیک ابعاد شناختی ۰/۸، تأملی ۰/۴، عاطفی ۰/۶ و کل ۰/۸۲ نشان داد.

○ اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان از طریق پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت شناختی محقق ساخته جمع آوری شد. علاوه بر ویژگی‌های فردی (جنس و سن) ویژگی‌های

دیگری نظیر میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، عنوان شغل، درآمد شخصی و ... افراد مورد سوال قرار گرفت.

● یافته ها

میانگین و انحراف معیار نمرات شرکت کنندگان در ابعاد و نمره کل مقیاس سه بعدی خردمندی به تفکیک گروه‌های سنی در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمرات در ابعاد و نمره کل مقیاس سه بعدی خردمندی گروه های سنی

انحراف معیار	میانگین	ابعاد	شاخص ها / گروه
۰/۶۳	۲/۹۸	شناختی	۱۵ تا ۱۸ ساله
۰/۴۵	۳/۱	تأملی	
۰/۵۲	۳/۰۰۵	عاطفی	
۱/۲	۹/۰۹	نمره کل	
۰/۷۴	۲/۹۳	شناختی	۱۹ تا ۲۹ ساله
۰/۴۵	۳/۲۹	تأملی	
۰/۵۷	۳/۰۹	عاطفی	
۱/۴۹	۹/۳۲	نمره کل	
۰/۶۶	۳/۱۳	شناختی	۳۰ تا ۴۵ ساله
۰/۴۵	۳/۳۵	تأملی	
۰/۵۶	۳/۲۴	عاطفی	
۱/۳۱	۹/۷۳	نمره کل	
۰/۵۹	۲/۷۴	شناختی	۴۶ ساله به بالا
۰/۶۰۰۴	۳/۰۶	تأملی	
۰/۵۶	۲/۷۰۰۲	عاطفی	
۱/۴۹	۸/۵۱	نمره کل	
۰/۶۸	۲/۹۴	شناختی	کل نمونه
۰/۴۸	۳/۲۰۷	تأملی	
۰/۵۷	۳/۰۲	عاطفی	
۱/۴۲	۹/۱۸	نمره کل	

برای مقایسه میانگین نمرات خردمندی در ۴ گروه سنی لازم بود در ابتدا نقش متغیرهای جمعیت شناختی بررسی شود تا در صورت معنی داری اثر آنها کنترل شود. بررسی های تحلیل واریانس (با رعایت پیش فرض ها) که در آن هر یک از متغیرهای جمعیت شناختی به عنوان متغیر مستقل و نمرات ابعاد شناختی، تأملی، عاطفی و نمره کل «مقیاس سه بعدی خردمندی» به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شدند؛ اثر شغل در بعد تأملی ($F(۲/۶۸۷)$)، درآمد در بعد شناختی ($F(۲/۸۱) p=۰/۰۴$)، و عاطفی ($F(۳/۲۹) p=۰/۰۲$)، و عزیز

از دست رفته در بعد تأملی، عاطفی و نمره کل معنی دار بود (به ترتیب $p=0/02$ ، $F(3/28)$ ، $F(5/28)$ $p=0/001$) و $F(4/9)$ $p=0/002$). اثرات سایر متغیرهای جمعیت شناختی بر نمرات خردمندی در سه بعد شناختی، تأملی، عاطفی و نمره کل معنی دار نبود. بنابراین هنگام استفاده از در تحلیل واریانس چند متغیره، عضویت گروهی به عنوان متغیر مستقل، نمرات خردمندی در سه بعد شناختی، تأملی، عاطفی و نمره کل به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده و اثر تحصیلات شغل، درآمد و عزیز از دست رفته کنترل شد.

نتایج آزمون شاپیرو-ویلک به منظور بررسی طبیعی بودن توزیع نمرات خردمندی در سه بعد شناختی، تأملی، عاطفی و نمره کل به تفکیک در گروه‌های سنی نشان داد توزیع نمرات در کلیه گروه‌ها و ابعاد غیر از گروه ۱۹ تا ۲۹ ساله در بعد شناختی، گروه ۴۶ ساله به بالا در بعد عاطفی و گروه ۱۹ تا ۲۹ ساله در نمره کل، طبیعی است. مواردی که در آنها طبیعی بودن توزیع تأیید نشده است به دلیل حجم بالای نمونه قابل اغماض هستند. نتایج آزمون لوین مبنی بر پیش فرض تساوی واریانس‌های گروه‌ها در جامعه در کلیه موارد تأیید نشد. اما به دلیل این که حجم گروه‌ها بیشتر از ۴۰ نفر است عدم رعایت این پیش فرض تأثیری در نتایج تحلیل ندارد.

جدول ۳ آزمون تحلیل واریانس چند متغیری تأثیر گروه سنی را بر نمرات خردمندی در سه بعد شناختی، تأملی، عاطفی و نمره کل به تفکیک گروه‌های سنی نشان می‌دهد. همان طور که قبلاً ذکر شد شغل، درآمد و عزیز از دست رفته متغیرهای کنترل هستند. همانطور که در جدول ۳ مشخص شده است، به طور کلی گروه اثر معنی داری بر نمرات خردمندی در سه بعد شناختی، تأملی، عاطفی و نمره کل مقیاس سه بعدی خردمندی ندارد.

جدول ۳. آزمون تحلیل واریانس چند متغیری تأثیر گروه‌های سنی بر نمرات خردمندی در ابعاد و نمره کل مقیاس سه بعدی خردمندی

منبع اثر	شاخص‌ها	مقدار آماده	آماره F	درجه آزادی	سطح معناداری	مقدار تا	فوان آماری
گروه	Wilks' Lambda	۰/۹۱	۰/۸۹	۶	۰/۴۹	۰/۰۴	۰/۳۴
شغل	Wilks' Lambda	۰/۸۶	۰/۹۶	۹	۰/۴۷	۰/۰۴	۰/۳۷
درآمد	Wilks' Lambda	۰/۸۵	۱/۰۵	۹	۰/۴	۰/۰۵	۰/۴
عزیز از دست رفته	Wilks' Lambda	۰/۸۹	۰/۷۲	۹	۰/۶۸	۰/۰۳	۰/۲۸

لازم به ذکر است اثرات تعاملی بین متغیر وابسته با متغیرهای کنترل نیز معنی دار نبود. افزون بر این نتایج اثرات بین آزمودنی در جدول ۴ و مقایسه های زوجی در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۴. آزمون اثرات بین آزمودنی ها تأثیر گروه های سنی بر نمرات ابعاد و نمره کل مقیاس سه بعدی خردمندی

منبع اثر	شاخص ها	متغیر وابسته	درجه آزادی	میانگین مجزورات	ضرب F	معنی داری	مجزور اتا	توان آماری
گروه	شناختی	۲	۰/۳۲	۰/۵۶	۰/۵۷	۰/۰۱	۰/۱۴	
	تأملی	۲	۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۹۲	۰/۰۰۲	۰/۰۶	
	عاطفی	۲	۰/۴۳	۱/۲۶	۰/۲۸	۰/۳	۰/۲۶	
	نمره کل	۲	۱/۲۱	۰/۴۹	۰/۶۱	۰/۰۱	۰/۱۲	
شغل	شناختی	۳	۰/۳۱	۰/۵۵	۰/۶۴	۰/۰۲	۰/۱۵	
	تأملی	۳	۰/۱	۰/۴	۰/۷۵	۰/۰۱	۰/۱۲	
	عاطفی	۳	۰/۵۱	۱/۵۲	۰/۲۱	۰/۰۶	۰/۳۸	
	نمره کل	۳	۱/۸۵	۰/۷۵	۰/۵۲	۰/۰۳	۰/۲	
درآمد	شناختی	۳	۰/۴۲	۰/۷۵	۰/۵۲	۰/۰۳	۰/۲	
	تأملی	۳	۰/۱۸	۰/۷۳	۰/۵۳	۰/۰۳	۰/۱۹	
	عاطفی	۳	۰/۱۹	۰/۵۶	۰/۶۳	۰/۰۲	۰/۱۶	
	نمره کل	۳	۰/۵۳	۰/۲۱	۰/۸۸	۰/۰۱	۰/۰۸	
عزیز از دست رفته	شناختی	۳	۰/۱۷	۰/۳	۰/۸۲	۰/۰۱	۰/۱	
	تأملی	۳	۰/۳۳	۱/۳۳	۰/۲۷	۰/۰۶	۰/۳۳	
	عاطفی	۳	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۹۸	۰/۰۰۲	۰/۰۵	
	نمره کل	۳	۰/۷۷	۰/۳۱	۰/۸۱	۰/۰۱	۰/۱	

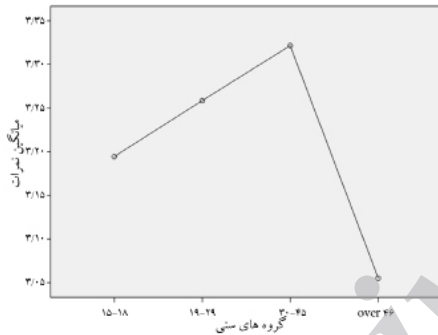
همان طور که در جدول ۴ مشاهده می شوند اثر عضویت گروهی بر نمرات خردمندی در سه بعد شناختی، تأملی، عاطفی و نمره کل به تفکیک گروه های سنی معنی دار نیست؛ به عبارتی بین گروه ها تفاوت معنی داری از این لحاظ وجود ندارد. لازم به ذکر است اثرات تعاملی بین متغیر وابسته با متغیرهای کنترل معنی دار نبود.

جدول ۵. نتایج مقایسه های زوجی بین گروه های سنی در نمرات ابعاد و نمره کل مقیاس سه بعدی خردمندی

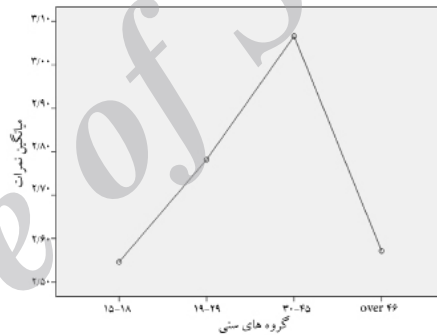
متغیر وابسته	شاخص ها	گروه (I)	میانگین تعدیل شده (I)	گروه (J)	میانگین تعدیل شده (J)	معناداری
بعد عاطفی 3D-WS			۲/۳۲	۱۵ تا ۱۸ سال	۳/۰۲	۰/۰۲
				۱۹ تا ۲۹ سال	۳/۰۱	۰/۰۰۵
				۳۰ تا ۴۵ سال	۳/۱۱	۰/۰۰۲
نمره کل	۴۶ ساله به بالا	۷/۹۵	۰/۰۲	۳۰ تا ۴۵ سال	۹/۵	۰/۰۲

همان طور که در جدول ۵ آمده است نتایج مقایسه‌های زوجی بین نمرات گروه‌های سنی در سه بعد شناختی، تأملی، عاطفی و نمره کل نشان می‌دهد که در بعد عاطفی بین گروه ۶۶ ساله به بالا با سه گروه دیگر یعنی ۱۵ تا ۱۸ ساله، ۱۹ تا ۲۹ ساله و ۳۰ تا ۴۵ ساله تفاوت معنی داری وجود دارد (به ترتیب $p=0/02$ ، $p=0/005$ ، $p=0/02$). همچنین این گروه در نمره کل نیز با گروه قبل از خود یعنی گروه سنی ۳۰ تا ۴۵ ساله متفاوت است ($p=0/02$). سایر گروه‌ها تفاوت معنی داری با یکدیگر نداشتند (شکل‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ را ببینید).

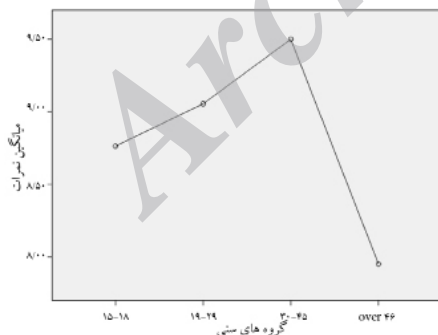
علاوه بر این به منظور نمایش بهتر عملکرد شرکت کنندگان، میانگین نمرات آنها در سه بعد شناختی، تأملی، عاطفی و نمره کل خردمندی با توجه به گروه‌های سنی در شکل‌های ۱ تا ۴ رسم شده است.



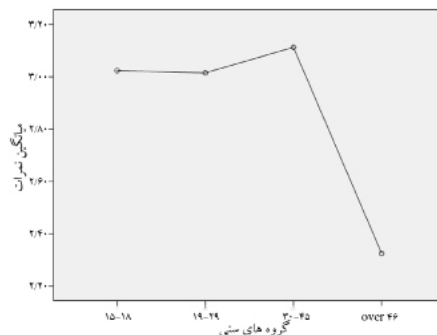
شکل ۲. میانگین نمرات بعد تأملی
مقیاس سه بعدی خردمندی در گروه های سنی



شکل ۱. میانگین نمرات بعد شناختی
مقیاس سه بعدی خردمندی در گروه های سنی



شکل ۴. میانگین نمره کل خردمندی
مقیاس سه بعدی خردمندی در گروه های سنی



شکل ۳. میانگین نمرات بعد عاطفی
مقیاس سه بعدی خردمندی در گروه های سنی

● بحث و نتیجه گیری

○ پس از کنترل اثر «شغل»، «درآمد» و «عزیزان دست رفته»، در یافته های حاصل از این پژوهش با استفاده از مقیاس «سه بعدی خردمندی» برای سنجش سازه خردمندی به طور کلی تفاوتی بین گروه های سنی مشاهده نشد. اما مقایسه زوج گروه ها نشان داد در نمره کل بعد از گروه ۳۰ تا ۴۵ ساله روند تحول رو به کاهش است. در واقع در روند تغییر میانگین ها، گروه ۴۶ ساله به بالا پایین ترین میانگین را داشت که تفاوت معنی دار آماری این گروه را با گروه قبل از خود یعنی ۳۰ تا ۴۵ ساله رقم می زند و از دسته تفاوت های معنی داری است که روند منظم افزایش را علی رغم معنی دار نبودن آماری در نمره کل خردمندی به هم می زند. به طور کلی نه تنها افزایشی در روند خردمندی مشاهده نمی شود بلکه این تغییر یکنواخت از بعد از ۴۵ سالگی کاهش می یابد. البته این یافته با پژوهش هایی که کاهش خردمندی را با افزایش سن تأیید می کنند و یا بر یکنواختی آن بعد از سنین ۲۴-۲۳ سالگی اشاره دارند، همخوان است (برای مثال پاسوپاتی، استودینگر و بالتز، ۲۰۰۱ را ببینید).

○ با توجه به تقسیم بندی سنی گروه ها در این پژوهش، به نظر می رسد روند مشاهده شده با دیدگاه چهارم خردمندی که همراه هوش سیال و متبلور حرکت می کند همخوان باشد. در این پژوهش اوج خردمندی در ۳۰ تا ۴۵ سالگی مشاهده می شود هماهنگ با اوج هوش سیال در این محدوده سنی؛ و احتمالاً کاهش خردمندی در گروه ۴۶ ساله به بالا (با میانگین سنی حدود ۵۴ سال) همگام با کاهش هوش سیال است و افزایش هوش متبلور تا حدی نیست که بتواند جبران این کاهش را بکند. هوش سیال با فرایندهای شناختی پایه انطباق دارد و شبیه عامل عمومی اسپیرمن است؛ و هوش متبلور با دانش کسب شده و مهارت های هوشی تحول یافته انطباق دارد که ممکن است به عنوان انعکاس کاربرد هوش سیال در زمینه فرهنگی شناخته شود. هوش متبلور همچنین نشان دهنده وسعت دانش، تجربه، تفکر کمی، قضاوت و خردمندی فرد است (هورن، ۱۹۸۲). بنابراین به نظر می رسد سطح پایین طراز تحول شناختی گروه ۴۶ ساله به بالا نیز در این میان بی تأثیر نبوده باشد. درست است که یکنواختی روند تحولی عملیات انتزاعی در نمونه این پژوهش تأیید شد در هر صورت افراد در کلیه گروه ها به عملیات انتزاعی استقرار یافته نرسیده بودند.

○ بررسی ابعاد مختلف خردمندی نیز یافته های جالبی به دست داد. به طور کلی گروه

در هیچ یک از ابعاد «مقیاس سه بعدی خردمندی» اثر معنی داری نداشت؛ اما تفاوت هایی در سطح زوج گروه ها در ابعاد مشاهده شد. در بعد شناختی خردمندی تفاوت بین زوج گروه ها به لحاظ آماری معنی دار نیست ولی به هر ترتیب V وارونه که زاویه آن میانگین بالای گروه ۳۰ تا ۴۵ ساله و دو انتهای پایین آن به گروه ۱۵ تا ۱۸ ساله از یک سو و گروه ۴۶ ساله به بالا تعلق دارد کاملاً روشن است. این سیر دقیقاً در مورد بعد تأملی به چشم می خورد که البته با توجه به اهمیتی که آردلت (۲۰۰۳) در نظریه خود برای این بعد قائل است چنین یافته ای از قابلیت تبیین فرهنگی بالایی برخوردار است.

اما در مورد بعد عاطفی بین سه گروه اول صرف نظر از معنی داری آماری، حتی به لحاظ میانگین های خام و دریافت بصری از نمودار هیچ تفاوتی مشاهده نمی شود و خطی تقریباً مستقیم این سه گروه را به هم وصل می کند اما نکته بسیار تأمل برانگیز تفاوت معنی دار آماری و هم بصری (با توجه به نمودارها) گروه ۴۶ ساله به بالا با سه گروه دیگر است که در واقع بر اثر کاهش میانگین این گروه ایجاد شده است.



یادداشت ها:

1. cognitive
2. reflective
3. affective
4. mastery
5. 3 Dimensional Wisdom Scale (3D-WS)
6. caring
7. nurturant

• منابع

- Achenbaum, A. W., & Orwoll, L. (1991). Becoming wise: A psycho- gerontological interpretation of the Book of Job. *International Journal of Aging and Human Development*, 32(1), 21–39.
- Ardelt, M. (1997). Wisdom and life satisfaction in old age. *Journal of Gerontology, Psychological Sciences*, 52, 15–27.
- Ardelt, M. (2003). Empirical assessment of a Three - Dimensional Wisdom Scale. *Research on Aging*, 25(3), 275-324.
- Ardelt, M. (2004). Wisdom as expert knowledge system: A critical review of a contemporary operationalization of an ancient concept. *Human Development*, 47, 257-85.
- Arlin, P. (1990). Wisdom: The art of problem finding. Adolescent and adult thought: A structural interpretation. In R. J. Sternberg (Ed.), *Wisdom: Its nature, origins, and*

- development* (pp. 230-243). New York: Cambridge.
- Baltes, P. B. & Smith, J. (1990). Toward a psychology of wisdom and its ontogenesis. In R. J. Sternberg (Ed.), *Wisdom: Its nature, origins, and development* (pp. 87-120). New York: Cambridge University Press.
- Benedikovicová, J., & Ardelt, M. (2008). The Three-Dimensional Wisdom Scale in cross-cultural context: A comparison between American and Slovak college students. *Studia Psychologica*, 50(2), 179–190.
- Clayton, V., & Birren, J. E. (1980). The development of wisdom across the lifespan: A reexamination of an ancient topic. In P. B. Baltes and O. G. Brim (Eds.) *Life-span development and behavior* (Vol. 3) (pp. 103-135). New York: Academic Press.
- Dittmann-Kohli & Baltes P.B., (1990). Toward a neofunctionalist conception of adult intellectual development: Wisdom as a prototypical case of intellectual growth. In C. N. Alexander & E. J. Langer (Eds.), *Higher stages of human development: perspectives on adult growth* (pp. 54–78). New York: Oxford University Press.
- Erikson E.(1959). *Identity and the life cycle*. International University Press: New York.
- Gluck, J., Bluck, S., Baron, S., & McAdams, D. P. (2005). The wisdom of experience: Autobiographical narrative across adulthood. *International Journal of Behavioral Development*, 29,197–208.
- Hall, G. S. (1922). *Senescence: The last half of life*. New York: Appleton.
- Horn, J. L., & Cattell, R. B.(1966). Refinement and test of the theory of fluid and crystallized general intelligences. *Journal of Educational Psychology*, 57, 253-270.
- Kolby, T. B. (2003). *Wisdom from the perspective of the elderly*. Unpublished Doctoral Dissertation, University of the Pacific Stockton, California.
- Meacham, J. A. (1990). The loss of wisdom. In R. J. Strenberg (Ed.), *Wisdom: Its nature, Origins, and development* (pp. 181-212). Cambridge: Cambridge University Press.
- Montgomery, A., Barber, C., & McKee, P. (2002). A phenomenological study of wisdom in later life. *International Journal of Aging and Human Development*, 52, 139-57.
- Pasupathi, M., Staudinger, U. M., & Baltes, P. B. (2001). Seeds of wisdom: Ado lescents' knowledge and judgment about difficult life problems. *Developmental Psychology*, 37(3), 351-361.
- Prewitt, V. R. (2000). *The constructs of wisdom: In human development and consciousness*. Fielding Institute.
- Staudinger, U. M. (1999). Older and wiser? Integrating results on the relationship between age and wisdom-related performance. *International Journal of Behavioral Development*, 23, 641-664.

Sternberg, R. J., & Grigorenko, E. L. (2000). *Teaching for successful intelligence*. Arlington Heights, IL: Skyline.

Yookyung, K. (1995). *Wisdom in Korean families: Its development, correlates, and consequences for life adaptation* (Ph.D. dissertation). Cornell University, USA.



Archive of SID

Archive of SID